

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ترمینولوژی حقوق جزای اختصاصی

مؤلفان:

علیرضا شکر بیگی

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (خوارزمی)

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

یحیی پیری

## نشانه‌های اختصاری

|         |                         |
|---------|-------------------------|
| ا.م.ج   | اصول محاکمات جزایی      |
| ق.ا     | قانون اساسی             |
| ق.ا.ح   | قانون امور حسبی         |
| ق.آ.د.ک | قانون آیین دادرسی کیفری |
| ق.آ.د.م | قانون آیین دادرسی مدنی  |
| ق.ک.د.ا | قانون کیفری دادرسی ارتش |
| ق.ت     | قانون تجارت             |
| ق.ث.ا   | قانون ثبت اسناد         |
| ق.ح.خ   | قانون حمایت از خانواده  |
| ق.م     | قانون مدنی              |
| ق.م.ا   | قانون مجازات اسلامی     |
| ق.م.ع   | قانون مجازات عمومی      |
| ق.م.م   | قانون مسئولیت مدنی      |
| ف.ح     | فرهنگ حقوقی             |
| ر.ک     | رجوع کنید               |
| ج       | جلد                     |
| س       | سطر                     |
| ش       | شماره                   |
| ص       | صفحه                    |
| ع       | علیه السلام             |
| ل       | لغوی                    |
| ح       | حقوقی                   |
| م       | ماده                    |
| ت       | تبصره                   |

## فهرست الفبایی

|       |     |
|-------|-----|
| الف   | ۱۱  |
| ب     | ۵۹  |
| پ و ت | ۶۹  |
| ث     | ۱۰۷ |
| ج     | ۱۱۳ |
| چ و ح | ۱۱۹ |
| خ     | ۱۳۱ |
| د     | ۱۳۷ |
| ذ     | ۱۴۵ |
| ر     | ۱۴۹ |
| ز     | ۱۵۷ |
| س     | ۱۶۱ |
| ش     | ۱۷۱ |
| ص     | ۱۷۷ |
| ض     | ۱۸۳ |
| ط     | ۱۸۹ |
| ع     | ۱۹۵ |
| غ     | ۲۱۳ |
| ف     | ۲۱۹ |
| ق     | ۲۲۳ |
| ک و گ | ۲۴۳ |
| ل     | ۲۵۱ |
| م     | ۲۵۹ |
| ن     | ۳۱۷ |
| و     | ۳۲۷ |
| ه     | ۳۳۷ |



الف



## □ آلت

ح ← یعنی دست‌افراز و سازکار آلت جنگ ابزار جنگ است خواه زین افراز باشد خواه نه.

## □ آلت قتاله

ح ← وسیله‌ی مادی که طبعاً کشنده باشد، مانند تفنگ و شمشیر و کارد. هر گاه آلتی نظر به موضع فرود آوردن آن عادتاً باعث قتل گردد در حکم آلت قتاله است مانند کوبیدن عصا به موضع حساس سر آدمی که خطرناک و کشنده باشد. چنین است اگر آلتی با توجه به مزاج مجنی علیه کشنده باشد مانند ریختن آب جوش بر روی بیمار قلبی.

ف.ح ← Lethal weapon

## □ آلت کُند

ل ← وسیله غیربرنده

ف.ح آلت قتاله ← Lethe lweapon

## □ آمر

ل ← امرکننده- امردهنده- فرمان‌دهنده- فرمانده- کارفرما

ح ← آن که دستور دهد از نظر حقوقی در معانی ذیل به کار رفته است:

- (۱) کسی که حق العمل کار به دستور او کار کند.
  - (۲) در باب مسئولیت مدنی، کارفرما است و هر کس که به دستور او کاری صورت گیرد که زیانی به ثالث برساند.
- ف.ح ← One who gives order- Commander- Commanding

### □ آیش زراعی

ل ← به معنی بارور شدن و میوه دادن درختانی که یکسال در میان میوه می‌دهند و در اصطلاح کشاورزی آمادگی زمین است از حیث قوه و استعداد برای کشت و زرع و بارآوردن محصول.

ح ← در اصطلاحات حقوقی نام زمین زراعی است که ملکی کسی است ولی مالک، انتفاع از آن را ترک کرده باشد برای مدتی معلوم یا موقت.

### □ آیش زراعی

ل ← به معنی بارور شدن و میوه دادن درختانی که یک سال در میان میوه می‌دهند از قبیل سیب و آلو سالی که

درخت میوه‌ی فراوان می‌دهد می‌گویند آیش آن است - و در اصطلاح کشاورزی آمادگی زمین است از حیث قوه و استعداد برای کشت و زرع و بارآوردن محصول، زمین‌های کم قوه را یک‌سال در میان می‌کارند یعنی یکسال در آن زراعت می‌کنند و یکسال خالی و بیکار می‌گذارند تا دوباره استعداد پیدا کند و زمانی که زمین برای زراعت مستعد باشد می‌گویند آیش آن است.

ح ← آیش نام زمینی زراعی است که ملک کسی است ولی مالک، انتفاع از آن را ترک کرده باشد برای مدتی معلوم یا موقت.

#### ابا □

ل ← خودداری کردن - نافرمانی - سرکشی

#### ابراء □

ل ← بری کردن - بیزار کردن - بری کردن ذمه.

ح ← در لغت به معنی بهبود، تندرست گرداندن، بی‌عیب گرداندن در حقوق و فقه ایقاعی است که نتیجه‌اش اسقاط اثر حقوقی است با قصد و رضای یک جانبه خواه در برابر عوض باشد خواه نباشد.



نکته) ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرف نظر نماید. مواد ۲۸۹ تا ۲۹۱ قانون مدنی.

ف.ح ← Release. Act of Liberating

#### □ ابنیه

ل ← بناها- ساختمان‌ها- جمع بناء  
ح ← یعنی ساختمان‌ها- اموالی است که در زمین نصب شده است به گونه‌ای که جابه‌جا کردن آن‌ها بدون ایراد خرابی به آن‌ها مقدور نباشد خواه تخریب متوجه بنا گردد و یا متوجه مقرّ بنا زوجه از ابنیه ارث نمی‌برد بلکه از قیمت آن‌ها ارث می‌برد. خراب شدن ابنیه و مایل شدن آن‌ها در صورت ایراد خسارت موجب مسؤولیت مدنی مالک است.

#### □ اتخاذ

ل ← گرفتن- فراگرفتن- برگرفتن  
ف.ح ← Adopt- Adoption- Adopting

#### □ اتلاف

ل ← تلف کردن- نیست کردن- نابود ساختن- تباه کردن

ح ← عبارت است از تباه کردن مال غیر به عدوان یعنی عملی که مستوجب نکوهش و بازخواست باشد.

اتلاف به عوض ← اگر در برابر اتلاف مال به دست مالک آن به او عوض داده شود این اتلاف مال به عوض گویند و این مشمول عنوان اتلاف که موجب مسؤولیت مدنی است بحثی دیگر است.

اتلاف تسبیبی ← اتلاف دو گونه است: اول) اتلاف مباشر دوم) اتلاف تسبیبی در اول عملی عادتاً موجب اضرار و تلف می شود در دومی چنین نیست قدر مشترک هر دو انتساب اضرار و تلف به فاعل است.

اتلاف حکمی ← نقل قانونی مالی به ثالث است مثال: زوج عین مالی را به عنوان صداق به زوج می دهد و او هم آن را می فروشد سپس زوج او را طلاق می دهد بدون این که دخول کرده باشد و مستحق نصف آن صداق است اما صداق مورد اتلاف حکمی واقع شده است و زوج باید عوض مال تالف را به شوهر بدهد.

اتلاف رهن ← اگر مال مورد رهن را ثالثی تلف کند باید عوض آن را بدهد و آن عوض خود به خود رهن خواهد بود چنین است اگر رهن آن را تلف کند.

اتلاف قبل از قبض ← یعنی اتلاف مبیع و یا ثمن شخصی بعد از عقد و پیش از اقباض به طرف.  
اتلاف مال غیر ← واژه اتلاف هر گاه بدون ضمیمه گفته می‌شود مقصود اتلاف مال غیر است که از موجبات ضمان قهری است و عمده مباحث مسؤولیت مدنی گرد آن دور می‌زند.

اتلاف مباشر ← در واژه اتلاف تسبیبی شرح آن گذشت واژه‌ی اتلاف هر گاه به طور مطلق به کار رود مقصود همین اتلاف مباشر است و در برابر آن واژه‌ی تسبیب به کار می‌رود چنان‌که می‌گوید: اتلاف و تسبیب یعنی اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب یا اتلاف تسبیبی.

اتلاف مبیع ← یعنی اتلاف آن قبض که از شمول ماده ۳۸۷ ق.م.خارج است این اتلاف ۳ صورت دارد: ۱- تلف‌کننده شخص ثالث است. ۲- تلف‌کننده بایع است. در هر ۲ صورت باید بدل به خریدار داده شود و او فقط مستحق بدل قانونی است. در فرض اول، مطالبه‌ی بدل از ثالث و تسلیم آن به مشتری از تعهدات بایع است زیرا اوست که تعهد تسلیم مبیع را دارد. ۳- تلف‌کننده مشتری است. اگر از روی غرور

آن را تلف کند غارّ باید بدل را به مشتری بدهد. اگر غرور در بین نباشد این تلف در حکم قبض مشتری است و خود کرده را چاره نیست.

اتلاف محجور ← مقررات مسؤلیت مدنی از احکام وضعی است. فرق بین محجور و غیر محجور نیست پس اگر صغیر یا دیوانه مال غیر را بدون اذن او تلف کند مسؤل هستند و از دارائی خود باید جبران ضرر کند. اما اگر عمل آنان ناشی از تفریط ولیّ آنان باشد آن ولیّ ضامن است.

اتلاف مغرور ← یعنی کسی فریب خورده و مالی را تلف کند. خواه مال خودش باشد خواه مال غیر. در اتلاف مال غیر از روی غرور، عنصر سوم اتلاف بین فعل غارّ و ضرر وجود دارد و او باید جبران خسارت کند به شرط این که مغرور پیش از اتلاف وضع ید بر آن مال نکرده باشد و گرنه از جهت ضمان ید مسؤل است یعنی مالک آن مال حق دارد مثل یا قیمت از وی بستاند و او هم هر چه داده باشد از غارّ می‌گیرد.

اتلاف مکره ← یعنی کسی به تهدید ثالث مال غیر را تلف کند. اگر وضع ید بر حال مذکور نکرده باشد ضامن اتلاف

اکراه‌کننده است زیرا تناسب ذاتی که عنصر سوم اتلاف است بین عمل اکراه‌کننده و ضرر وجود دارد نه بین عمل مکره و ضرر.

اتلاف نصاب زکات ← اگر بعد از سپری شدن سال مالی مؤدی زکات، نصاب را پیش از تأدیه تلف کند زکات بر عهده‌ی او است و باید بپردازد خواه اتلاف به قصد فرار باشد خواه نه.

#### □ اثلاث باقیه

ل ← اثلاث جمع ثلث است و باقیه یعنی باقی مانده.

#### □ اثناء

ل ← میانه‌ها، به معنی طی و میانه و تا ولای چیزی.

#### □ اجمال

ل ← به کوتاهی سخن پرداختن - به اختصار گفتن مطلبی -

مبهم و نارسا گفتن - خلاصه کردن

ح ← سخن مجمل یعنی سخن مختصر